

نقد و بررسی شبهه اثرگذاری مذهب در نگارش نهج البلاغه

فرهاد دولت\* / کامران اویسی\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

چکیده

یکی از شبهات مرتبط با انتساب نهج البلاغه، این ادعا است که شیعه به جهت غرض ورزی مذهبی مانند فضیلت بخشی به علی (علیه السلام) به عنوان امام اول خود و یا بالاتر بردن مقام او از جایگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای جلب قلوب غیر شیعه، نهج البلاغه را تدوین کرده است. خاستگاه شبهه مورد بحث را می‌توان در کلام ابن خلکان و سپس صفدی یافت که توسط برخی دیگر از علماء عامه به شکل کنونی تکوین یافته است. این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی، در صدد پاسخگویی به شبهه مورد بحث اقدام نموده، تلاش کرده است تا این شبهه به دو شبهه کوچک‌تر منحل شود: اول شبهه جعلی بودن و نگارش نهج البلاغه توسط سید رضی یا دیگران؛ دوم وجود انگیزه و اغراض مذهبی در این جعل و نگارش. در پاسخ به شبهه اول از روش سبر و تقسیم منطقی، شناخت همگونی سبک مجموعه نهج البلاغه، دیرینه‌شناسی، شناخت محل اصابت شبهه بهره‌گرفته شده است. از توجه به دیدگاه فریقین در خلافت امام علی (علیه السلام) - فرای بلا فصل بودن یا نبودن -، تصریح و تلویح بر افضحیت و ابلیغیت علی (علیه السلام) از سوی دوست و دشمن، التفات به علمیت و نفس پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودن او، دقت در معیت قرآن با علی (علیه السلام) و ناطقیّت او و صامتیت قرآن برای پاسخگویی به شبهه دوم استفاده شده است.

واژگان کلیدی

غرض ورزی مذهبی، تدوین، رضی، شبهه، نهج البلاغه.

[frhaddwt74@gmail.com](mailto:frhaddwt74@gmail.com)

[oveisi@maaref.ac.ir](mailto:oveisi@maaref.ac.ir)

\*. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف قرآن و حدیث، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

\*\* استادیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی

## مقدمه

نهج‌البلاغه از جمله کتبی است که گرچه از سوی برخی از محققان منصف، تمجید و تحمید شده است (ن.ک: قزوینی حائری، ۱۳۷۱: ج ۱، ص. ۴-۶) و حتی ادعای تواتر آن را کلاً یا بعضاً نموده‌اند (ن.ک: کاشف‌الغطاء، بی‌تا: ۱۹۷؛ حسینی جلالی، ۱۳۸۰، ص. ۸). با این حال، برخی جاهلانه یا مغرضانه به خدشه در انتساب نهج‌البلاغه به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) پرداخته‌اند و آن را تدوین شیعیان از روی غرض ورزی مذهبی و فضیلت تراشی بلاغی برای امام اول خود می‌دانند (ن.ک: آل یاسین، ۱۳۶۰، ص. ۱۹). کاشف‌الغطاء القاء‌کنندگان شبهات مربوط به انتساب نهج‌البلاغه به امام علی (علیه السلام) را در میان متقدمان اهل تسنن کم می‌شمارد؛ اما در میان متاخران از اهل تسنن تعداد بیشتری می‌داند که به سبب تعصب و کتمان حق و حقیقت چنین شبهاتی را می‌سازند (ن.ک: کاشف‌الغطاء، بی‌تا، ص. ۱۹۷). او در جای دیگر اینان را در سه گروه مسلمانان و مسیحیان و مادیگرایانی می‌داند که تهمت و افترا زدن به کتب مسلمانان برای آنان امری عادی است. مهم گروه اول یعنی برخی از مسلمانان است؛ وگرنه دو گروه دیگر را ملالی نیست که اسلوب و روش کار آن‌ها با ادیان و فرقه‌ها همین است (ن.ک: کاشف‌الغطاء، بی‌تا، ص. ۲۰۸). بعضی از محققان معاصر، زمینه‌ساز چنین شبهه‌ای را اهداف گروهی از مستشرقان در دامن زدن به اختلافات مذهبی دانسته‌اند (ن.ک: نادم، ۱۳۸۸، ص. ۱۳). با توجه به اینکه دأب محققان و دانشمندان اسلامی و خصوصاً شیعه، تلاش برای دفاع از حریم ثراث دینی و مذهبی و به ویژه آثار روایی است، این شبهه نیز از این سیره استثنا نیست و سزاوار است تا مورد مطالعه و نقد قرار گیرد. قبل از ورود به بحث سزاوار است تا مسأله نامبرده بیان گردد و نیز به پیشینه از حیث نظر و موضوع توجه شود.

### ۱.۱. بیان مسئله

شبهه‌ای که در افواه و اقلام برخی ناقدان نهج‌البلاغه می‌گردد و یا پرورش داده شده، مناقشه تکراری ناقدان قبل از آن‌ها مبنی بر تردید در انتساب کلمات نهج‌البلاغه به امام علی (علیه السلام) است؛ اما با این تقریر که تمام یا قسمتی از نهج‌البلاغه را سید رضی یا شخصی دیگر از شیعه از روی غرض مذهبی، وضع و جعل نموده تا فضیلتی برای امام خود اضافه نمایند که او را به مقام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نزدیک سازد و افکار مورد نظر شیعه مقبول دیگران افتد. بنابراین نهج‌البلاغه ساخته‌ای است که با توطئه شیعیان و صوفیان گرد آمده و خطبه‌های قاصعه و اشباح شاهدهی بر این مدعاست (ن.ک: زکی صفوت پاشا، ۱۹۶۳، ص. ۱۲۰-۱۳۲؛ بلیع، ۱۹۶۹، ص. ۹۲؛ ابراهیم السید، ۱۴۰۶، ص. ۲۸). سوال اینجاست که اصل این

شبهه و تهمت را چه کسی و از چه زمانی به شیعیان و نهج البلاغه روا داشته اند؟ پس از بررسی این ادعاهای غالباً غرض ورزانه، دیده می‌شود که ریشه همه آن‌ها ادعای احتمالی ابن خلکان (م ۶۸۱ ق) مبنی بر ساخته شدن نهج البلاغه توسط سید مرتضی و یا سید رضی و انتساب آن از سوی آنان به علی (علیه السلام) است (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۳، ص. ۳۱۳). نخستین بودن او در القای این شبهه، از سوی برخی از محققان مورد تأیید قرار گرفته است (آل سلمان، ۱۴۱۵، ج ۲، ص. ۲۵۰-۲۵۲). پس از او دیگرانی چون صفدی (م نیمه اول قرن ۸ ق) (صفدی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص. ۳۷۴)، ذهبی (م ۷۴۸ ق) (ذهبی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص. ۱۲۴)، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) (عسقلانی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص. ۲۲۳) و برخی دیگر از او پیروی کرده، به این شبهه اشاره کرده‌اند. با این حال در کلام بیهقی (م ۵۶۵ ق) به شبهه عدم تفاوت بین مقدمه سید رضی در نهج البلاغه با متن آن (بیهقی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۹-۱۰) و در سخنان ابن ابی الحدید (م ۶۵۶ ق) به شبهه تدوین نهج البلاغه توسط فصحاء اشاره شده (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص. ۱۷۶) که از باب ملازمه می‌توان شبهه عدم انتساب نهج البلاغه به امام علی (علیه السلام) را استظهار نمود. عبدالزهراء حسینی نیز به وجود چنین شبهه‌ای پیش از ابن خلکان، باور دارد (حسینی خطیب، ۱۴۰۲، ج ۱، ص. ۲۰۲).

اما چنان که گفته شد، برخی جاهلان و یا مغرضان متأخر اهل تسنن، جهت ارضای هوای نفسانی خویش در پیروی از تعصب و غرض مذهبی خود، فرار رو به جلو نموده و این غرض ورزی مذهبی را به بزرگان شیعه چون سید رضی نسبت داده و آن را داعیه‌ای در جهت جعل و نگارش چنین کتاب فصیح و بلیغی دانسته‌اند (ن.ک: زکی صفوت پاشا، ۱۹۶۳، ص. ۱۲۰-۱۳۲؛ بلیع، ۱۹۶۹، ص. ۹۲؛ ابراهیم السید، ۱۴۰۶، ص. ۲۸).

این شبهه خود به دو شبهه دیگر قابل تقسیم است که در صورت پاسخ‌دهی به آن‌ها بدین طریق می‌توان آن را منحل نمود.

#### ۲.۱. پیشینه پژوهش

پرداختن به شبهه نسبت کلمات مندرج در نهج البلاغه در برخی کتاب‌ها و مقاله‌ها به صورت کلی مورد بحث قرار گرفته است؛ اما پراکندگی و عدم ترتیب خاص و عدم جامعیت پاسخ‌ها و فقدان شبهات القایی معاصر و جدید از جمله دواعی و انگیزه‌های همّت بر تدوین این مقاله است. مانند مدارک نهج البلاغه و دفع الشبهات، تألیف هادی کاشف الغطاء که به شبهه عدم نسبت نهج البلاغه به علی (علیه السلام) در خلال مباحث خود اشاره نموده است (ن.ک: کاشف الغطاء، ۱۳۵۴، ص. ۱۹۸-۲۶۸). نیز مانند مصطفی

دلشاد تهرانی در کتاب چشمه خورشید که شبهه انتساب را در هفت صفحه بررسی نموده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۰-۱۵۷). و همچنین کتاب نهج البلاغه، نقدها و پاسخ‌ها به قلم محمدحسن نادم در سه صفحه شبهه و پاسخ آن را بیان نموده است (نادم، ۱۳۸۸، ص. ۹۷-۱۰۰). و از دیگر منابع که در این باره مطالبی را در بر دارند، کتاب اصالت نهج البلاغه نوشته سید رضا برقی (برقی، ۱۳۹۶، ص. ۸-۸۷) و کتاب استناد نهج البلاغه و پاسخ به شبهات پیرامون آن نوشته علی حاجی خانی (حاجی خانی، ۱۳۹۸، ص. ۷-۵۹) و کتاب نقد متن شبهات پیرامون نهج البلاغه سید محمد کاظم طباطبایی نامبردار است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶-۳۹) که نسبت به پژوهش‌های قبل از خود جامعیت بیشتری دارند.

وجه تمایز نوشتار پیش رو با پژوهش‌های سابق این است که در این نوشتار به نحو مفصل و جزئی با رویکردی جدید از طریق انحلال شبهه به شبهات کوچک‌تر به پاسخ‌دهی می‌پردازد؛ از این رو در روش ارائه حل شبهه نامبرده، در نوع خود اصیل و ممحّض نوآورانه است.

### ۳.۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

چنان که گفته شد، سیره علمای شیعه این بوده است که در مقابل شبهات به دفاع می‌پرداختند و حداقل در مقام نظر، قلم را به جریان در آورده و خود را به رنج انداخته و به پاسخگویی همت می‌گماشتند. یکی از ساحت‌هایی که بر محققان و فضلا سزاوار و بلکه فرض است تا آنجا نیز دفاع از حریم اهل بیت را دغدغه خود قرار دهند، نهج البلاغه و به ویژه شبهه غرض ورزی مذهبی شیعه در تدوین آن است؛ چرا که شبهه افکنان، ایستا نبوده و نخواهند بود و باب شبهه پراکنی باز است و باید دفاع از آن نیز پویا باشد؛ نیز پاسخ‌های متعدد و چند جانبه ای نسبت به این شبهه قابل ارائه است؛ از طرفی نوعی دفاع کلی در مقابل گرد تهمت تعصب و زدودن آن از دامان پاک شیعه و آثار مرتبط با پیشوایان شیعه است.

### بحث

با توجه به مطالب گفته شده، شبهه تأثیر غرض ورزی مذهبی بر تدوین نهج البلاغه توسط بزرگانی چون سید رضی، خود به دو شبهه دیگر قابل انحلال است:

اول: سید رضی با غرض ورزی مذهبی سخنان زیبایی را در کنار هم جمع کرده و آن را نهج البلاغه نامیده است؛

دوم: امیرالمؤمنین علی علیه السلام خالی از فضیلت و به ویژه بلاغت بوده. شیعیان می‌خواهند با مکر و حيله ایشان را دارای فضیلت معرفی کنند؛ در ادامه سزاوار است این شبهات، بیان و سپس پاسخ داده شوند.

## ۱.۲. نقد و بررسی شبهه اول

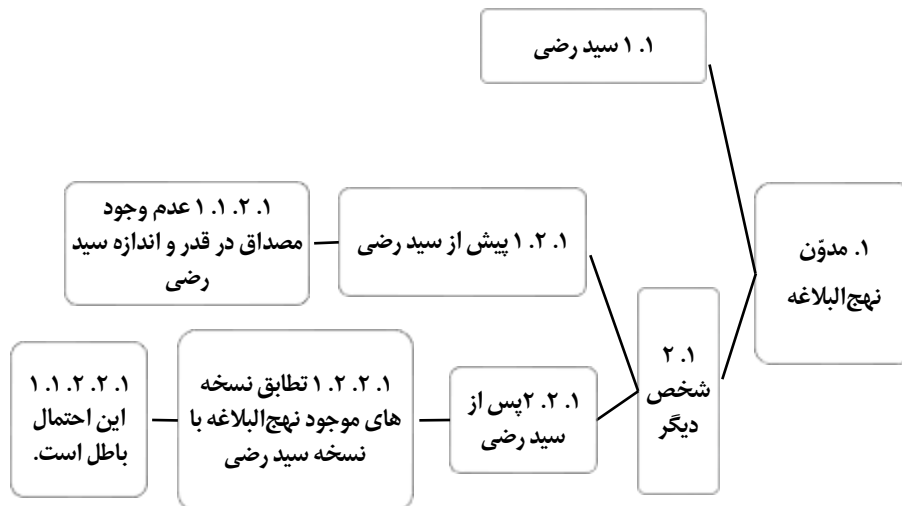
شبهه اول این است که سید رضی با غرض ورزی مذهبی سخنان زیبایی را در کنار هم جمع کرده و آن را نهج البلاغه نامیده است. یعنی نهج البلاغه یا ابداع سید رضی است و یا از کسی دیگر گرفته و به امام علی علیه السلام نسبت داده است. (ن.ک: زکی صفوت پاشا، ۱۹۶۳، ص. ۱۲۰-۱۳۲؛ ۴۸؛ بلبع، ۱۹۶۹، ص. ۹۲؛ ابراهیم السید، ۱۴۰۶، ص. ۲۸).

### ۱.۱.۲. سیر و تقسیم

ابن ابی الحدید از روش سیر و تقسیم منطقی - به معنای بیان همه احتمالات و خروج آئی که نمی‌تواند محتمل باشد - استفاده کرده است (طوسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص. ۲۳۲). او می‌گوید: پدید آورنده این خطبه‌ها یا سید رضی است یا فرد دیگری. اگر فرد دیگری غیر از او باشد، یا قبل از او چنین کاری کرده است و یا بعد از او. اگر پس از او بوده است، چرا نسخه‌های موجود با نسخه اصلی سید رضی مطابقت دارد و تفاوتی در نسخه‌های گوناگون دیده نمی‌شود؟ پس این سخن که کسی بعد از سید رضی نهج البلاغه را ساخته و به امام علی علیه السلام نسبت داده، سخن باطلی است (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۲۳۵). چنان که خود ابن ابی الحدید ادعا نموده بخش‌هایی از خطبه نهج البلاغه که به قلم سید رضی نوشته شده را در کتب افرادی چون ابن قبه دیده است (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۲۰۵-۲۰۶). فحوای این کلام این است که عبارات نهج البلاغه اگر ساخته سید رضی بود، باید مشابه آن مانند آنچه در خطبه دست‌نوشته سید رضی دیده می‌شود، در آثار دیگران قبل از او عیناً یا مثلاً، تفصیلاً یا اجمالاً می‌بود؛ اما اینگونه نیست.

اما اینکه واضع این سخنان، شخصی پیش از سید رضی بوده، باید گفت که قبل از او در بین سخنوران و ادیبان، شخصیتی در ادبیات عرب و فصاحت و بلاغت مانند او وجود نداشته است (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۲۰۵-۲۰۶).

البته پاسخ اخیر او نیاز به ضمیمه کردن دلایل اثباتی ادعای قوت بی‌نظیر سید رضی در فصاحت و بلاغت دارد که با توجه به آثار برجای مانده از او مانند المجازات النبویة و نیز شهادت بزرگان فریقین به علم و تقوای او (ن.ک: حموی، ۱۳/۱۴۷؛ قمی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص. ۲۴۸) نیازی به بازگویی آن نیست.



شکل ۱. احتمال‌ها درباره مدون نهج البلاغه

### ۲.۱.۲ سبک‌شناسی

پاسخ دوم از روی مطالعه سبک نوشته‌های برجای مانده از سید رضی به عنوان مصداق تامّ متهمان از سوی شبهه افکنان در تدوین خودساخته نهج البلاغه و مقایسه آن با متن نهج البلاغه است. به عنوان نمونه ابن ابی الحدید در اثبات ادعای خود مبنی بر اینکه اسلوب کلام سید رضی قابل مقایسه با کلام امام علی علیه السلام نیست، سخن ابن خشاب را نقل می‌کند:

«این روح اندیشه و این سبک و اسلوب سخن کجا؟ و سید رضی کجا؟ من با کتاب‌های سید رضی آشنایم و روش و اسلوب او را در نوشتن می‌دانم. نظیر چنین کلماتی که در نهج البلاغه موجود است، هیچ کجا یافت نمی‌شود» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۲۳۵).

### ۳.۱.۲ شخصیت‌شناسی

پاسخ دیگر، بر اساس شخصیت‌شناسی سید رضی است که اجمالی از آن در پایان سبر و تقسیم ذکر شد. اگر تردید نماید که بعضی یا همه نهج البلاغه توسط افرادی مغرض و متعصب و یا محبّ غالی نسبت به مقام امام علی علیه السلام جعل شده است، می‌توان با عدم نبود مصداقی بهتر از سید رضی برای چنین تدوینی، شخصیت او را برای قابلیت چنین اتهامی واکاوی.

از شخصیتی با آن همه آگاهی و فضل که مقام و منزلتش نزد موافقان و مخالفان پیش تر بیان شد، چنین بی دقتی بزرگی بعید است که نتواند بین سخنان امام علی (علیه السلام) و دیگران فرق گذارد و بدون توجه عباراتی را به حضرت نسبت دهد؛ نیز اگر وی بر اثر بی توجهی یا عمد منبعث از عشق و علاقه مفرط به آن حضرت سخنانی ساختگی نقل کرده باشد، می‌بایست از میان آن همه افرادی که بر نهج البلاغه شرح‌ها و پیرامون آن کتاب‌ها نگاشته‌اند، لااقل تعدادی به این مطلب اشاره می‌کردند و نکاتی را در این باره متوجه و متذکر می‌شدند؛ در صورتی که موردی وجود ندارد و تقوای مشهور او در میان شیعه و سنی (ن.ک: حموی، ج ۱۳، ص. ۱۴۷؛ قمی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص. ۲۴۸)، عهده داشتن نقابت طالبیین و قضاوت و میانجیگری نزد حکومت‌ها (ن.ک: رضی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص. ۲۵۹؛ موسوی حسینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۵۴۴) چنین اجازه‌ای به دشمنان و مخالفان مذهبی‌اش نخواهد داد که برچسب انتساب ساخته خود به علی (علیه السلام) را بر دامن عظمت او زنند؛ او کسی است که با شش واسطه مادرش به امام‌سجاد (علیه السلام) و پدرش با پنج واسطه به امام کاظم (علیه السلام) می‌رسد؛ در حالی که هستند امام زادگان محترمی که تعداد واسطه آنان تا امام معصوم (علیه السلام) بیشتر است (ثعالبی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص. ۱۵۵). بنابراین نه از روی غفلت و نه از روی غرض مذهبی او چنین کاری نکرده‌است.

زکی مبارک در این باره می‌گوید:

«شخصیت سید رضی نزد من برتر و والاتر از این است که این شبهات را درباره او درست بدانیم؛ زیرا او اگر در خدمت تشیع است صادقانه این خدمت را انجام می‌دهد، نه با افترا و دروغ» (مبارک، ۱۹۹۳، ج ۱، ص. ۲۲۱).

قاعده شخصیت‌شناسی بر دیگر علمای شیعه که در مظانّ تدوین نهج البلاغه و ادعای انتساب دروغین آن به علی (علیه السلام) از سوی شکاکان شده‌اند، قابل تسری است. یعنی اگر ثابت شود که سید رضی با این مهارت در فصاحت و بلاغت و ادبیات عرب، مدوّن نهج البلاغه نیست، به طریق اولی نمی‌توان دیگرانی که از او در این زمینه کوتاه دست‌ترند را به عنوان مؤلف عبارات این کتاب محسوب نمود.

#### ۲. ۱. ۴. دیرینه‌شناسی

مقصود از دیرینه‌شناسی، آن اصطلاحی نیست که در باستان‌شناسی و فسیل‌شناسی استفاده می‌شود تا بقایای اشیاء و موجودات را تاریخگذاری نموده و وقایعی که بر آن‌ها رفته‌است را پیش‌بینی کنند. بلکه منظور، دیرینه‌شناسی متنی است. یعنی بتوان شواهدی متنی پیدا نمود که از لحاظ تاریخی به پیش از زمان سید رضی بر گردند. یا متونی هستند در منابع معاصر با سید رضی یا پس از او اما به طریقی غیر از

طریق وی یا منبعی غیر از آنچه او در اختیار داشته، نقل گشته‌اند (ن.ک: حسینی خطیب، ۱۴۰۲، ج ۱، ص. ۲۶؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۵). در این صورت می‌توان انتساب نهج البلاغه به سید رضی را به عنوان شخصیت مصداقی تا آنجا که این اتهام را رد نمود. در عین حال دیگر مصادیق نیز با قیاس اولویت به کنار خواهند رفت.

در مسیر اثبات وجود چنین عباراتی در منابع قدیمی تر از عصر سید رضی، زحماتی کشیده شده است. به ویژه کتبی که با عنوان مصادر نهج البلاغه تألیف گردیده‌اند. (ن.ک: حسینی خطیب، ۱۴۰۲، ج ۱، ص. ۱۹-۲۹). به عنوان نمونه، منابعی چون اسماء المغتالین من الاشراف فی الجاهلیة و الاسلام نوشته محمد بن حبيب بغدادی (م ۲۴۵ ق)، الامامة و السياسة ابن قتیبه (م ۲۷۶ ق)، الاخبار الطوال به قلم ابوحنیفه احمد دینوری (م ۲۸۲ ق)، بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد علیهم السلام محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق)، اثبات الوصیة للامام علی بن ابی طالب علیه السلام، تألیف ابوالحسن علی مسعودی (م ۳۴۶ ق) برخی از این منابع هستند (ن.ک: حسینی خطیب، ۱۴۰۲، ج ۲، ص. ۲۹-۴۱).

همچنین کتاب‌هایی درباره خطبه‌ها و کلمات امام علی علیه السلام پیش از سید رضی تألیف شده بود. مانند خطب امیر المؤمنین علی المنابر فی الجُمع و الاعیاد و غیرهما به قلم ابوسلیمان جهنی (طوسی، ۱۳۵۱، ص. ۱۴۸) و کتاب خطب امیر المؤمنین علیه السلام المروبة عن الامام الصادق علیه السلام نوشته ابو روح فرج بن فروه که این کتاب در قرن سوم هجری تألیف یافته که حسن بن سلیمان حلی مؤلف منتخب البصائر خطبه مخزون را از آن گرفته است (تهرانی، ۱۳۹۹، ج ۷، ص. ۱۹۰). لذا احتمال داده‌اند سید رضی خطبه اشباح یعنی خطبه ۹۱ را از این کتاب نقل کرده باشد (ن.ک: حسینی خطیب، ۱۴۰۲، ج ۱، ص. ۵۲).

همچنین یعقوبی (م ۲۸۶ ق) چهارصد خطبه (یعقوبی، بی تا، ۱۵) و مسعودی (م ۳۴۶ ق) چهارصد و هشتاد خطبه از علی علیه السلام (مسعودی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۴۱۷) را در میان مردم مرسوم شمرده‌اند که مبادرت به حفظ آن‌ها می‌کرده‌اند. نیز توجه به کتابخانه بزرگ سید مرتضی که سید رضی نیز از آن استفاده می‌کرده و حدود هشتاد هزار کتاب داشته (ابن عنبه، ۱۴۱۲، ص. ۲۳۵)، این امر را برای سید رضی ممکن می‌ساخته تا آنچه از کلمات بلیغ علی علیه السلام می‌خواست از آن کتب جمع آوری نماید.

## ۲. ۱. ۵. شناخت فرودگاه شبهه

بر فرض قبول این سخن که بعضی از خطبه‌ها ساخته و پرداخته سید رضی یا دیگران است، در مورد بقیه نهج البلاغه چه باید گفت؟ زیرا این اشکال نمی‌تواند انتساب همه نهج البلاغه را به امام علی علیه السلام انکار



نماید؛ بلکه به بخشی از آن مربوط می‌شود و ناقدان جدی این مجموعه در مقام نظر یا حداقل در طرح شبهه، با کل نهج‌البلاغه ستیزی نداشته، فقط به بعضی از قسمت‌ها اشکال نموده‌اند (کیلانی، ۱۹۹۵: ۵۶؛ عقاد، ۱۹۷۴، ص. ۱۴۱). بنابراین شناخت محل فرود شبهه، خیلی اهمیت دارد که بررسی شود شبهات مرتبط با انتساب نهج‌البلاغه و نیز غرض ورزانه بودن تألیف آن، به کل کتاب اصابت می‌کند یا قسمتی از آن.

## ۲.۲. نقد و بررسی شبهه دوم

شبهه دومی که از شبهه کلی مورد بحث اخذ می‌شود این است که علی علیه السلام خالی از فضیلت بوده، سید رضی به دنبال فضیلت سازی برای ایشان و در نتیجه نسبت دادن کلمات فصیح و بلیغ نهج‌البلاغه به او است. بنا بر کلام ابن ابی الحدید دشمنان علی علیه السلام به ویژه دستگاه معاویه سعی داشتند تا با القاء اینگونه شبهات به خیال خام خود، با کف دست، نور خورشید را خاموش کنند. (ن.ک: ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۱، ص. ۱۶-۲۹) جهت پاسخ به این شبهه، ملاحظه منابع عامه در بیان فضایل امام علی علیه السلام و شهادت آن‌ها در این باره به نحو موجبه جزئیه کافی است. این پاسخ شامل چند مقدمه تألیف یافته است:

### ۱.۲.۲.۱. جانشینی

اولین مقدمه این است که بر اساس مبنای کلامی شیعه، چون امام علی علیه السلام جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، تمامی صفات پیامبر صلی الله علیه و آله مگر وحی را دارا می‌باشد (ن.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۱۳، ص. ۶۱). بنابراین چون رسول خدا صلی الله علیه و آله افصح عرب بوده (ن.ک: مفید، ۱۴۱۳، ص. ۱۸۷؛ صرصری حنبلی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص. ۴۳۲)، جانشین او نیز چنین خواهد بود.

البته این مقدمه برای برخی از عامه که جریان غدیر مبنی بر جانشینی علی علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله را پذیرفته یا نقل کرده‌اند نیز جاری است (ن.ک: ذهبی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص. ۴۱۷؛ قندوزی حنفی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص. ۲۳۵).

به عنوان نمونه آلوسی بر این اعتقاد است که نهج‌البلاغه پرتویی از نور سخن الهی و خورشیدی است که با فصاحت منطوق نبوی می‌درخشد. فوق سخن مخلوق و دون سخن خالق است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص. ۱۸۰).

## ۲.۲.۲. افصحیت و ابلغیت

در بسیاری از متون فریقین افصح بودن و ابلغ بودن علی (علیه السلام) صریحاً (ن.ک: ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص. ۵۵۹؛ ابن طاووس، ۱۳۸۹، ص. ۲۶۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۲۷۷؛ شوشتری، ۱۴۰۹، ج ۳۲، ص. ۴۲۱؛ هندی، ۱۳۶۶، ج ۱۴، ص. ۲۱۶) یا تلویحاً و در ضمن بلندای فصاحت و بلاغت ایشان پذیرفته شده است. مانند سخن گفتن خدا با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج با زبان و لهجه علی (علیه السلام) (ن.ک: روزبهان بقلی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص. ۹۱). نیز روایاتی وجود دارد که دلالت بر فصاحت و بلاغت والای علی (علیه السلام) دارد. مانند قضیه مکالمه ابراهیم عباسی و امام علی (علیه السلام) در خواب که او نگذاشت امام زودتر از روی پل رد شود؛ زیرا خود را احق بر امارت دید و امام در پاسخ او فرمود: سلاماً سلاماً که مأمون در جواب ابراهیم، آن را دارای بلاغت بیشتر دانست (اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص. ۳۲۸). همچنین خود حضرت به نهایت درجه بلاغت و فصاحت خود در مقابل اعتراف مخاطبان، بر روی منبر اذعان نموده است (مفید، ۱۴۱۳، ص. ۱۴۴-۱۴۸). نیز در ذیل تعریف عدل در کلام علی (علیه السلام)، آن را از فصیح ترین و بلیغ ترین کلمات دانسته اند (ن.ک: ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۷، ص. ۳۴۶؛ شرفی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص. ۹). همچنین حدیث منزلت - یعنی جایگاه علی (علیه السلام) برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مانند جایگاه هارون برای موسی است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص. ۱۰۹؛ ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص. ۴۵۶؛ کلینی، ۱۴۲، ج ۱۵، ص. ۲۶۲)-، به نحو دلالت التزامی افصح بودن امام علی (علیه السلام) را اثبات می کند؛ زیرا طبق آیه (وَ اَخِي هَارُونُ هُوَ اَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا) (قرآن کریم ۳۴: ۲۸)، هارون افصح بوده است و با توجه به اطلاق وجه شبه که خلافت منهای وحی است، می توان این ویژگی را نیز در امام علی (علیه السلام) جریان داد.

#### ۲. ۲. ۲. ۳. اعلمیّت

اطلاق حدیث متواتر (ن.ک: هاشمی خوبی، ۱۴۰۰، ج ۹، ص. ۲۳۸) مدینه علم بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و درب بودن علی (علیه السلام) برای آن شهر یا هم مضمون آن (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص. ۶۰۵؛ ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص. ۴۵۵)، فصاحت و بلاغت را نیز می گیرد و لذا می توان علی (علیه السلام) را نیز مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای مراتب بالای فصاحت و بلاغت دانست که کس دیگری توان رسیدن به آن را ندارد؛ زیرا شخص دیگری جز او، باب شهر علم خدا (صلی الله علیه و آله) نیست.

#### ۲. ۲. ۲. ۴. انفسیّت

با توجه به آیه مباهله (ن.ک: قرآن کریم ۶۱: ۳) و شأن نزول آن و دیدگاه غالب مفسران فریقین (ن.ک: قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۱۰۴؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص. ۱۵۵-۱۶۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص.

۴۷). این مسأله ثابت می‌گردد که امام علی (علیه السلام) نفس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و نه مثل او بلکه عین اوست؛ با این تفاوت که بر او وحی نمی‌شود. نفس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودن، نیز اطلاق دارد و با توجه به تمام بودن مقدمات حکمت، می‌توان به این اطلاق تمسک نمود و علی (علیه السلام) را در ا فصاحت و ابلیغیت، نفس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دانست.

تلویحاً از این مقدمه، این شبهه نیز پاسخ داده می‌شود که شیعیان می‌خواهند تا با انتساب نهج البلاغه به علی (علیه السلام)، مقام او را از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بالاتر برند (زکی صفوت پاشا، ۱۹۶۳، ص. ۱۲۰-۱۳۲). همچنین این شبهه، یک تهمت است که بدون هیچ دلیلی به شیعیان روا داشته‌اند؛ چرا که در هیچ منبع شیعی این ادعا وجود ندارد؛ بلکه این دیدگاه، عقیده‌ای غلوآمیز است و اگر هم کسی قائل به آن باشد، غالبان هستند که از شیعه محسوب نمی‌گردند و امامان شیعه، همواره به اندیشه غالی‌گری مبارزه نموده‌اند. مثلاً امام صادق (علیه السلام) در روایتی به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند که دو گروه از طایفه مسلمانان نیستند: قدریه و غلات (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص. ۷۲).

## ۲.۲.۵. رابطه با قرآن

باز از جمله دلایلی که می‌توان از باب دلالت التزامی، فصاحت بی‌چون و چرای علی (علیه السلام) را استنباط نمود، معیّت جدایی ناپذیر قرآن و اوست که در منابع حدیثی فریقین ذکر گردیده است (ن.ک: طوسی، ۱۴۱۴، ص. ۴۶۰؛ خوارزمی، ۱۱۰): چنان که امام علی (علیه السلام) کتاب ناطق خدا است (ن.ک: طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص. ۹۹؛ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص. ۳۴) و این نشان از به نطق در آورنده بودن آن حضرت نسبت به قرآن است و لازمه یک تبیین و نطق مناسب نسبت به قرآن فصیح و بلیغ اما صامت و مبین این است که ناطق و مبین آن نیز فصیح و بلیغ باشد تا از فصاحت و بلاغت قرآن به هنگامه توضیح با رعایت اصل تفاوت ذاتی کلام خدا با کلام بشر حتی کلام معصومان (علیهم السلام) فرو نکاهد.

## نتیجه‌گیری

با توجه به مباحثی که گفته شد می‌توان به این نتیجه رسید که شبهه اثرگذاری مذهب در نگارش نهج البلاغه آن هم توسط ادیبان فاضل و پارسایی چون سید رضی مردود است؛ زیرا شبهه مذکور خود به دو شبهه خردتر قابل انحلال است. یعنی از یک سو شبهه مورد بحث، اشعار دارد که اولاً نهج البلاغه حاصل خودساختگی ادیبانی مانند سید رضی است و اصالت آن به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نمی‌رسد؛ ثانیاً این

برساختگی ادیبانه سید رضی یا افرادی چون او، از روی غرض ورزی مذهبی و تولید مستمسکی جهت فضیلت‌سازی برای امام نخستین شیعیان یعنی علی (علیه السلام) است. در پاسخ به شبهه اول، توجه به روش سبر و تقسیم منطقی و نتیجه آن - که ابن ابی الحدید استخدام نموده است - و همچنین ضمیمه نمودن نتیجه مطالعه سبک‌شناختی مجموعه نهج البلاغه و تشخیص و تمییز بین آن چه که در مجموع نهج البلاغه وجود دارد با آثار باقی مانده از سید رضی مانند خطبه ابتدایی کتاب نهج البلاغه - که او تدوین نموده است - سبب می‌گردد تا بتوان ادعای ابداعی بودن برخی از فقرات نهج البلاغه را به نحو موجهه کلیه از سوی فضلالی شیعی مانند سید رضی را رد نمود. نیز دیرینه شناسی به معنای کشف متون قدیمی‌تر از زمان سید رضی و یا معاصر با عصر او که از منبعی دیگر یا طریق سندی دیگر، بخشی از متن نهج البلاغه را نقل نموده باشد، در انحلال شبهه اول مفید بوده و نشان می‌دهد که مجموعه نهج البلاغه توسط سید رضی تکوین نیافته و اثری پیشینی نسبت به عصر او است. انضمام تأییدی این نکته نیز سزاوار است ملحوظ گردد که فرودگاه شبهه مورد بحث از سوی منتقدان، قسمت‌هایی از نهج البلاغه چون خطبه شقشقیه است نه مجموعه نهج البلاغه و جعلی دانستن کل آن.

اما پاسخ شبهه دوم از طریق توجه دادن به دیدگاه اثباتی یا اعترافی فریقین در جانشینی و خلافت امام علی (علیه السلام) - فرای بلا فصل بودن یا نبودن - است که دلالت التزامی آن، جانشینی در فصاحت و بلاغت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز خواهد بود. همچنین تصریح و تلویح بر افضحیت و ابلغیت علی (علیه السلام) از سوی دانشمندان شیعه و اهل تسنن، از جمله پاسخ‌های نقضی به شبهه دوم است. نیز التفات به اعلمیت علی (علیه السلام) با توجه به اطلاق حدیث "مدینه العلم" و مشابه آن که فریقین نقل کرده و ادعای شهرت و حتی تواتر نموده‌اند، به تسری دانش مذکور به بُعد فصاحت و بلاغت منجر می‌گردد. نفس پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودن علی (علیه السلام) با توجه به افصح بودن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سبب انطباق این درجه از فصاحت و بلاغت بر علی (علیه السلام) خواهد شد. توجه به دلالت برخی از نصوص روایی بر همراهی و معیت قرآن با علی (علیه السلام) و ناطقیت او و صامتیت قرآن، سبب می‌گردد تا علی (علیه السلام) به عنوان مبین قرآن، فصاحت و بلاغت اعلایی داشته باشد تا در مقام تبیین، به جنبه‌های بلاغی قرآن نیز در صورت لزوم اشاره نماید. بنابراین شبهه دوم نیز نمی‌تواند در مقابل دلایل مطرح شده، مقاومت نماید و مضمحل می‌گردد.

## قرآن کریم

۱. آل سلمان، ابو عبیده مشهور بن حسن، ۱۴۱۵ق، *کتاب حذر منها العلماء*، بیروت: دار الصمیعی.
۲. آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، *بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳. آل یاسین، محمد حسن، ۱۳۶۰ش، *نهج البلاغه از کیست؟*، ترجمه: محمود عابدی، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۴. ابراهیم السید، صبری، ۱۴۰۶ق، *توثیق نهج البلاغه*، دوحه: دار الثقافة.
۵. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، ۱۳۸۷ش، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث العربی.
۶. ابن ادیس حلی، محمد، ۱۴۱۰ق، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی و المستطرفات*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ش، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
۸. ابن خلکان، احمد بن محمد، ۱۳۶۴ش، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، قم: الشریف الرضی.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۸۹ش، *سعد السعود للنفوس منضود*، قم: دار الذخائر.
۱۰. ابن عنبه، احمد، ۱۴۱۲ق، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، بیروت: دار مکتبة الحیاة.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: مؤسسه دار احیاء التراث العربی.
۱۲. اصفهانی، ابوالفرج علی، ۱۴۱۵ق، *الأغانی*، بیروت: مؤسسه دار احیاء التراث العربی.
۱۳. برقی، محمد باقر، ۱۳۹۶ش، *اصالت نهج البلاغه*، تهران: میراث شرق.
۱۴. بلیع، عبد الحکیم، ۱۹۶۹م، *النشر الفنی و اثر الجاحظ فیہ*، قاهره: مؤسسه عربیہ للتالیف و الترجمة و النشر.
۱۵. بیهقی، علی، ۱۳۸۰ش، *معارض نهج البلاغه*، قم: بوستان کتاب.
۱۶. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۱۹ق، *الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی*، قاهره: دار الحدیث.
۱۷. ثعالبی، ابومنصور عبالمالک، ۱۴۰۳ق، *تیممة الدهر فی محاسن اهل العصر*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۸. حاجی خانی، علی، ۱۳۹۸ش، *استناد نهج البلاغه و نقد شبهات پیرامون آن*، تهران: سمت.

۱۹. حسکانی، عبیدالله بن احمد، ۱۴۱۱ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۰. حسینی جلالی، محمد حسین، ۱۳۸۰ش، *دراسة حول نهج البلاغة*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. حسینی خطیب، عبدالزهراء، ۱۴۰۲ق، *مصادر نهج البلاغة و اسانیده*، بیروت: دار الاضواء.
۲۲. حموی، یاقوت، ۱۳۸۱ش، *معجم الادباء*، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش.
۲۳. تهرانی، آقابزرگ، ۱۳۹۹ق، *النزیرة الی تصانیف الشیعة*، بیروت: دار الاضواء.
۲۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۰ش، *چشمه خورشید: آشنایی با نهج البلاغه*، تهران: انتشارات دریا.
۲۵. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۳۹۵ق، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، بیروت: دار الفکر.
۲۶. رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۵ق، *دیوان الشریف الرضی*، بیروت: دار الجیل.
۲۷. روزبهان بقلی، روزبهان، ۲۰۰۸م، *عرائس البیان فی حقائق القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۸. زکی صفوت پاشا، احمد، ۱۹۶۲م، *ترجمه علی بن ابی طالب*، قاهره: مکتبه البابی الحلبی.
۲۹. شرفی، احمد بن محمد، ۱۴۱۱ق، *شرح الأساس الکبیر*، صنعاء: دار الحکمة الیمانیة.
۳۰. شوشتری، نور الله، ۱۴۰۹ق، *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۳۱. صرصری حنبلی، سلیمان، ۱۴۱۹ق، *الانتصارات الإسلامیة فی کشف شبه النصرانیة*، ریاض: مکتبه العبیکان.
۳۲. صفدی، خلیل بن ابیک، ۱۳۹۹ق، *الوافی بالوفیات*، تحقیق: ریتز، هلموت، بیروت - لبنان: دار النشر فرانز شتاينر.
۳۳. طباطبایی، محمد کاظم، ۱۳۹۷ش، *نقد و بررسی شبهات پیرامون نهج البلاغه*، نوبت چاپ: دوم، قم: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث.
۳۴. طبرسی، احمد، ۱۴۰۳ق، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: انتشارات مرتضی.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۵۱ش، *الفهرست*، مشهد: دانشگاه مشهد.
۳۶. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۴ق، *الأملی*، قم: مؤسسه البعثة.
۳۷. طوسی، نصیرالدین محمد، ۱۴۰۳ق، *شرح الإشارات و التنبیهاة للطوسی مع المحاکمات*، قم: دفتر نشر الکتاب.
۳۸. عاملی، شیخ حرّ محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۳۹. عقاد، عباس محمود، ۱۹۷۴م، *عبقريه الامام علي (عليه السلام)*، بيروت: دار الكتاب اللبناني.
۴۰. عسقلانی، ابن حجر، ۱۴۰۶ق، *لسان الميزان*، بيروت: موسسه الاعلمي للمطبوعات.
۴۱. قزوینی حائری، محمد کاظم، ۱۳۷۱ش، *شرح نهج البلاغه*، قم: نشر توسط مؤلف.
۴۲. قمی، عباس، ۱۳۷۶ش، *الکني واللقاب*، نجف: حیدریه.
۴۳. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، *تفسیر القمی*، قم: انتشارات دار الكتاب.
۴۴. قندوزی حنفی، سلیمان، ۱۴۱۶ق، *ینابيع الموده*، بيروت: دار الأسوه للطباعة و النشر.
۴۵. کاشف الغطاء، محمد حسین، ۱۴۱۳ق، *أصل الشیعة وأصولها*، بيروت: مؤسسة الأعلمي.
۴۶. کاشف الغطاء، هادی، ۱۳۵۴ش، *مدارک نهج البلاغه و دفع الشبهات عنه*، نجف: مطبعة الراعی.
۴۷. \_\_\_\_\_، (بی تا)، *مستدرک نهج البلاغه و یلبیه مدارک نهج البلاغه و دفع الشبهات عنه*، بيروت: دار الاندلس.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم: دار الحديث.
۴۹. کیلانی، محمد سید، ۱۹۹۵م، *اثر التشیع فی الادب العربی*، قاهره: دارالعرب للبستانی.
۵۰. مبارک، زکی، ۱۹۹۱م، *عبقريه الشریف الرضی*، مصر: مطبعة حجازی.
۵۱. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۴ش، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، قاهره: السعادة.
۵۲. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، *الإختصاص*، قم: کنگره شیخ مفید.
۵۳. موسوی حسینی، عباس، ۱۳۷۵ش، *نزهة الجلیس و منیة الأديب الأنیس*، محقق: محمد مهدی خراسان، قم: المكتبة الحیدریة.
۵۴. هاشمی خویی، حبیب الله، ۱۴۰۰ق، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تهران: مكتبة الإسلامية.
۵۵. هندی، میر حامد حسین، ۱۳۶۶ش، *عبقات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار*، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (علیه السلام).
۵۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (بی تا)، *مشاکلة الناس لزمانهم*، بيروت: دار الصادر.
۵۷. نادم، محمد حسن، ۱۳۸۸ش، *نهج البلاغه، نقدها و پاسخ ها*، قم: نشر ادیان.